

بررسی رابطه بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی در شهر ایلام

سهراب مظفری‌نیا^۱
مریم قاسمی‌پور^۲

چکیده

رسانه‌های جمعی، به‌ویژه فضای مجازی باعث تغییر و تحولات بسیاری در زندگی و سبک زندگی مردم شده است. میزان گرایش افراد به این فضا تحت تأثیر ویژگی‌های فردی و عوامل اجتماعی متفاوتی می‌باشد؛ تأثیرپذیری سبک زندگی از فضای مجازی، پیامدهای گوناگونی دارد. بنابر نظر جامعه‌شناسان متخصص در این حوزه، یکی از این پیامدها، رشد و قوام طلاق عاطفی است. طلاق عاطفی، محصول استراتژی‌های سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی و آگاهانه یا ناآگاهانه در ایجاد و بازتولید ارتباطات اجتماعی است.

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی، به صورت پیمایشی، در بین ۳۶۱ نفر از متأهلان شهر ایلام در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری چند مرحله‌ای بوده و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش بدین قرار است: میانگین نمره سبک زندگی متأثر از فضای مجازی در بین زنان و مردان یکسان است. میانگین نمره سبک زندگی متأثر از فضای مجازی بر حسب میزان تحصیلات متفاوت می‌باشد؛ همچنین بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی، رابطه معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، سبک زندگی، تأثیرپذیری، طلاق عاطفی.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه، فناوری اطلاعات و ارتباطات در تمام ارکان زندگی نمایان است و تمام رفتارهای بشری تحت تأثیر آن قرار گرفته است. با تغییر در الگوی رفتار، الگوی مصرف، الگوی حمل و نقل، الگوی سکونت و ... دچار تحول می‌شود و به تناسب این تحولات، سبک زندگی نیز دچار دگرگونی خواهد شد (پرهیزکار و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲). «فضای مجازی^۱، عرصه جدیدی برای حیات بشری است که قابلیت پذیرش و انجام بخش عمده‌ای از نیازها، فعالیت‌ها و شئون زندگی بشر، اجتماعات انسانی و حکومت‌ها را دارد و به عنوان سایه فضای واقعی، از طریق تمرکز، پردازش و جابه‌جایی اطلاعات، توانایی شبیه‌سازی فعالیت و ساختارهای فضای واقعی را دارد و این شبیه‌سازی را با اثربخشی در فضای واقعی انجام می‌دهد» (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱). به اعتقاد گیدنز با جهانی شدن رسانه‌های ارتباط جمعی، وجود و عملکرد محافل و سازمان‌های متعدد و گوناگون در هر زمینه بیش از پیش دیده می‌شود و اطلاعاتی که این رسانه‌ها به دست می‌دهند، به طبع راه‌های تازه‌ای را برای انتخاب در برابر افراد می‌گشاید. فضای مجازی از طریق کنار هم قرار دادن موقعیت‌ها و حالات گوناگون، شکل‌ها و نمادهای ویژه‌ای به وجود می‌آورد، شیوه‌های نوینی را برای زندگی القا می‌کنند و انتخاب‌های تازه‌ای را پیش روی افراد قرار می‌دهد (خوشنویس، ۱۳۸۹: ۲). فرهنگ سایبری و استفاده از تکنولوژی‌ها به ما اجازه می‌دهد که راه‌های جدیدی برای ارتباط با دیگران و دستیابی به اطلاعات، پیش رو داشته باشیم (ماسون و رنی^۲، ۲۰۰۸: ۴۵).

دو مطالعه، توجه ویژه رسانه‌ها را به خود جلب کردند: یکی، پروژه Home Net که توسط گروه کراوت (۱۹۹۸) انجام شد و دیگری که توسط نای و اربرننگ (۲۰۰۱) با بررسی در مقیاس بزرگ صورت گرفت. هر دو گزارش به این نتیجه منتهی شدند که استفاده از اینترنت، پیامدهایی منفی به دنبال خواهد داشت و روابط نزدیک و صمیمی را کم‌رنگ خواهد کرد. دیمایو، هارگیتا و نئومن (۲۰۰۱) دریافتند که به احتمال بسیار، کاربران اینترنت نسبت به غیر کاربران، کمتر به ملاقات یا تماس تلفنی با دوستان خود اقدام می‌کنند و در برخی موارد، حتی عضوی از شبکه‌های اجتماعی در دنیای واقعی نیستند؛ با این حال، پژوهش‌های دیگر به نتیجه متضادی رسیدند؛ چنانکه هووارد و راینی (۲۰۰۱) با بررسی یک نمونه تصادفی بزرگ به این نتیجه رسیدند که اینترنت به افراد اجازه می‌دهد تا با خانواده و دوستان در تماس باشند و در اکثر موارد، شبکه‌هایشان وسعت یابد (وانگ و همکاران^۳، ۲۰۱۲: ۳۴).

دروتنر^۴ (۲۰۰۰: ۱۲۰) معتقد است که «رابطه میان افراد و رسانه‌ها دو شکل کلی به خود گرفته

1. Cyber space
2. Mason & Rennie
3. Wang et al
4. Drotner



است: یکی، گفتمان بدبینی فرهنگی و دیگری، گفتمان خوش‌بینی فرهنگی. ارزیابی منفی رابطه بین افراد و رسانه‌ها به‌ویژه در مشاجرات عمومی، به دنبال معرفی فناوری‌های نوین رسانه‌ای دیده می‌شود».

«در ایران، جمعیت قابل توجهی از مردم از اینترنت و وب استفاده می‌کنند. بر اساس آمار ارائه شده در وب سایت <http://www.internet world stat://> هم‌اکنون در ایران، ۳۶ میلیون و ۵۰۰ هزار کاربر اینترنت وجود دارد و ضریب نفوذ اینترنت، ۴۶/۹ است» (عاملی و حسنی، ۱۳۹۱: ۲۲). شیفتگی نسل جوان به مظاهر فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده گسترده آنها از این فناوری‌ها کم و بیش در همه جوامع به نحو محسوسی مشاهده می‌شود. امروزه دسترسی گسترده به فناوری اطلاعات به عنوان تفاوت اساسی نسل جوان امروز با نسل بیست سال گذشته قلمداد می‌شود. یافته‌های برخی از پژوهش‌ها حاکی از نقش مؤثر تفاوت سنی در میزان فعالیت‌های رایانه‌ای افراد است؛ با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در نهادهای اجتماعی مختلف، تفاوت‌هایی را در نسل گذشته و حال نشان می‌دهد (نعیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۰)؛ اما آنچه توجه به فضای مجازی و سبک زندگی متأثر از این پدیده را ضروری می‌کند، ابزار گریزناپذیر فناوری فضای مجازی است. این ابزار با فرهنگی که متأثر از آن است مرزهای مرئی و نامرئی زندگی تمام مردم جهان امروز را درنوردیده است. خانواده‌ها هم در زندگی روزمره خود با این ابزار و فرهنگ استفاده از آن سر و کار دارند. فناوری فضای مجازی با پیامدهای مثبت و منفی خویش منجر به ایجاد سبک جدیدی از زندگی شده است. پژوهش حاضر قصد دارد با هدف تبیین جامعه‌شناسانه این بعد از فناوری، به بررسی پیامدهای اجتماعی این فضا و سبک زندگی متأثر از آن؛ همچنین تأثیر آن در طلاق عاطفی با توجه به گسترش بسیار آن در بین خانواده‌ها بپردازد. انتخاب شهر ایلام به عنوان مورد مطالعه به دلایل زیر صورت گرفته است:

ایلام یکی از شهرهای ایران است که از ساختاری سنتی و فرهنگی قدیمی برخوردار است؛ اما در طی سال‌های اخیر، ورود تکنولوژی، تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و تحولات جمعیتی از جمله: جوان بودن جمعیت، مهاجرت و ... چهره شهر را دگرگون کرده است؛ این تغییر و تحولات از ساختار فیزیکی و معماری شهر تا متحول شدن روابط اجتماعی (از ارتباطات چهره به چهره، رفت و آمدهای خانوادگی و محلی و ... تا بی‌تفاوتی اجتماعی و ناآشنا بودن همسایه‌ها با یکدیگر) را شامل می‌شود. خانواده‌های شهر ایلام نیز مانند سایر خانواده‌های ایرانی از این فناوری برخوردار شده و به نوعی فرهنگ استفاده از آن در زندگی آنها نمایان شده است.

پیشینه تحقیق

لانگ^۱ (۱۹۹۸)، پژوهشی با عنوان «سبک زندگی و استفاده تکنولوژی رسانه‌های جدید در شهرهای چین» انجام داده و در آن به جهت‌گیری سبک زندگی مشتریان و استفاده از رسانه‌ها با پذیرش رفتار تکنولوژی رسانه‌های جدید در شهرها توجه خاصی نموده است. یافته‌های کلیدی پژوهش او، نشان می‌دهد که سبک زندگی متأثر از رسانه‌های جدید، به طور معناداری بر ابداع و نوآوری تأثیر می‌گذارد؛ افرادی که جایگاه اجتماعی-اقتصادی بالایی دارند، پذیرنده رسانه‌های جدید و سبک زندگی جدید هستند. با پذیرش تکنولوژی‌های جدید رسانه‌های نوین به نظر می‌رسد که ماهیت فنی تکنولوژی‌هایی که به توسعه زندگی کمک می‌کنند، زمینه تولید مدل‌های پیچیده و به‌روز و ایجاد حالت مطلوب و لذت‌بخش را فراهم می‌کند.

وانگ و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه بین استفاده از اینترنت و سبک زندگی بزرگسالان در چین» با بررسی مقطعی در سال ۲۰۰۹ با استفاده از یک مدل و دسته‌ای از تحلیل‌های رگرسیونی، تأثیرات استفاده از اینترنت بر زندگی بزرگسالان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که آنلاین بودن بیش از حد، دسترسی از طریق اینترنت به کلوب‌های اینترنتی و استفاده از اینترنت برای تخلیه هیجانات به سبک ضعیف زندگی و عدم تحرک بزرگسالان منجر شده است؛ در مقابل نیز، استفاده از اینترنت با اهدافی مثل کسب دانش و یافتن اطلاعات، مثبت است و سبک زندگی سالمی را برای بزرگسالان رقم می‌زند.

زارکا^۲ (۲۰۱۱): در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر اینترنت بر روابط: ادراک دانشجویان مرد و زن پاکستان»، ادراک دانشجویان دختر و پسر از نقش اینترنت در روابط در حال تغییرشان با جنس مخالف، اعضای خانواده و افراد ناشناس را بررسی کرده است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که دانشجویان، تأثیر اینترنت بر رابطه در حال تغییر با جنس مخالف، اعضای خانواده و مردم ناشناس را قبول دارند؛ با این حال، زارکا هیچ نظری در مورد نقش اینترنت در افزایش روابط عاشقانه ارائه نکرده است. با توجه به اینکه پاکستان یک جامعه محافظه‌کار است، ممکن است دانشجویان، به حفظ نظر خود در مورد نتایج، مجبور شده باشند. مطالعه روابط عاشقانه نشان داد که اینترنت، اعضای خانواده را به یکدیگر نزدیک می‌کند و باعث افزایش وحدت میان آنها، تقویت روابط خانواده و افزایش حس تعلق و مسئولیت در میان جوانان می‌شود. درک مرد و زن از نقش اینترنت در روابط در حال تغییرشان با جنس مخالف، اعضای خانواده و افراد ناشناس نیز تفاوت معناداری نداشت؛ با این حال، درک کاربران و غیر کاربران اینترنت از آن متفاوت بود. غیر کاربران، مخالف نقش اینترنت در روابط در حال تغییر بودند؛ در حالی که کاربران، نقش آن را در برقراری روابط جوانان تأیید کردند.

1. Leung
2. Zarqa



حسنوند (۱۳۹۳) در مقاله «تأثیر شبکه‌های اجتماعی در بروز پدیده طلاق»، به بررسی رابطه عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به عنوان یکی از کارگزاران جامعه‌پذیری امروزی با پدیده طلاق پرداخت. افراد نمونه تحقیق مشتمل بر ۵۰ نفر از متقاضیان طلاق بودند که در نیمه اول سال ۱۳۹۳ به دادگاه خانواده شماره ۱ تهران مراجعه کرده بودند و به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. نتایج پژوهش او نشان داد که هر چه میزان حضور افراد در شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد به همان اندازه، گرایش به سبک زندگی مدرن بیشتر می‌شود و به همان اندازه، گرایش به سبک زندگی سنتی کمتر می‌گردد و برعکس؛ چنانچه افراد در شبکه‌های اجتماعی، عضویت نداشته باشند گرایش آنها به سبک زندگی سنتی بیشتر است؛ همچنین نتایج پژوهش حسنوند نشان داد که بین عضویت زوجین در شبکه‌های اجتماعی و درخواست طلاق، ارتباط مستقیم و معنادار وجود دارد.

نی و هیلجس^۱ (۲۰۰۲) در مقاله «تأثیرات استفاده از اینترنت بر جامعه‌پذیری: یافته‌هایی از دفتر یادداشت کارهای روزمره» به بررسی روش‌های پیچیده‌ای پرداخته‌اند که در آن، اینترنت، ارتباطات بین فردی و جامعه‌پذیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. داده‌های جدید و پویا، تأثیرات زمان و مکان استفاده از اینترنت به جای تعاملات چهره به چهره را در دفتر یادداشت کارهای روزمره نشان می‌دهد. استفاده از اینترنت در خانه، هم بر صرف وقت با دوستان و خانواده و هم بر صرف زمان برای فعالیت‌های اجتماعی، تأثیر منفی فراوانی دارد؛ اما استفاده از آن در محل کار، چنین تأثیری ندارد. به طور مشابه، استفاده از اینترنت در طول آخرین روز هفته نسبت به استفاده از آن در طول روزهای هفته، به کاهش چشمگیر فعالیت‌های اجتماعی منجر می‌شود و زمان ارتباط با دوستان و خانواده را کاهش می‌دهد. این یافته‌ها توسط یک نظریه جابه‌جایی (استفاده از اینترنت - زمان آنالاین) پشتیبانی می‌شود. این نظریه که تا حد زیادی موجب رقابت در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود، به جای مکمل بودن بر زمان‌های اجتماعی بودن تأکید دارد؛ با این حال، محل و زمان استفاده از اینترنت است که تعیین‌کننده چگونگی متأثر کردن روابط میان فردی بوده است.

نعیمی (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان «تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق» به بررسی تأثیر دو کارگزار جامعه‌پذیری یعنی خانواده و ماهواره بر طلاق پرداخت. داده‌های مورد نیاز پژوهش او، از دو گروه در حین طلاق و عادی، جمع‌آوری شد. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده تأثیر ماهواره در ایجاد ارزش‌های مدرن در زوجین و تأثیر خانواده در پیدایی ارزش‌های سنتی در بین زوجین بود؛ همچنین نتایج حاکی از آن بود که برنامه‌های ماهواره‌ای در قوت بخشیدن به ارزش‌های مدرنی چون: مادی‌گرایی، فردگرایی، کامیابی به هر قیمتی و آزادی‌های نامحدود تأثیر دارند که پیامد آن، تغییر ارزش‌های سنتی و گاهی ایجاد تضاد ارزشی در بین زوجین به واسطه تغییر ارزش‌ها در یکی از آنها و احتمال افزایش ناهنجاری‌های مختلفی نظیر طلاق خواهد بود و نیز نتایج نشان داد که برای

1. Nie & Hillygus

ایجاد توازن در ارزش های مسلط در زوجین و برای جلوگیری از تغییرات ناگهانی یا تضاد ارزشی در بین آنان، باید تعاملی سنجیده در بین دو بعد مهم جامعه پذیری صورت گیرد. در تحقیقاتی که به آن اشاره شد، به سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و رابطه آن با روابط اجتماعی و روابط اعضای خانواده پرداخته شده است. در تحقیق حاضر، ضمن بررسی سبک زندگی متأثر از فضای مجازی، رابطه این فضا با طلاق عاطفی در میان خانواده‌ها نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ از این رو می‌توان گفت که این پژوهش نسبت به مطالعات ذکر شده با نگاه منسجم‌تری به موضوع می‌نگرد.

مفاهیم و نظریه‌های پژوهش

به اعتقاد اندیشمندان عرصه اجتماعی و روانشناسی، عوامل متعددی همچون: طبقه، اقتصاد، ارزش‌ها، سن و دوره عمر، تحصیلات، جنسیت و سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر شکل‌گیری و چگونگی سبک زندگی اعضای جامعه تأثیر می‌گذارند که در این پژوهش، تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی افراد متأهل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

«زیمل از آن جهت که انگیزه‌های درونی و عوامل فردی مؤثر بر شکل‌گیری الگوهای مصرف را بررسی کرده است، در جامعه‌شناسی، پیشرو است. وی اعتقاد دارد که هر نوع تعاملی در میان انسان‌ها و محیطشان، توسط دو نیاز هنجاری متناقض، هدایت می‌شود: نیاز به یافتن شخصیتی بی‌همتا و نیاز به شناختی اجتماعی. فرد، این شخصیت بی‌همتا را در فرهنگ ذهنی خود و شناخت اجتماعی از آن را در فرهنگ عینی جستجو می‌کند. از نظر او، سبک، تجسم همین تلاش است؛ در واقع، انسان، شکل را برای معنای مورد نظر خود برمی‌گزیند و این‌گزینش، حاصل توازن میان شخصیت ذهنی فرد، محیط پیرامون و روابط انسانی اوست. به توان انجام چنین‌گزینش و انتخابی، سلیقه و به این اشکال مرتبط به هم، سبک می‌گویند. او بر این باور بود که سبک، این توان را دارد که نشان دهد محتوای متعدد در شکل‌دهی به هم مرتبط هستند» (حسنی، ۱۳۹۱: ۴۴). «از نظر زیمل، سبک زندگی همان فرهنگ است» (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). «با توجه به اینکه سبک زندگی، عینی‌سازی فرهنگ ذهنی با استفاده از امکانات محیط است، در اجتماعات سنتی که تعامل نقش‌های محدود اجتماعی با دیگر اجتماعات، اندک می‌باشد، تعدد سبک‌ها منجر به تنوع و تکثیر نمی‌شود؛ چنانکه می‌توان یک یا چند سبک زندگی مشخص را در این گونه اجتماعات باز یافت، مانند جوامع فئودالی و بورژوازی؛ اما اگر محیط اجتماعی فرهنگ فرصت‌هایی را برای تنوع فراهم کند، آن‌گاه جامعه، صحنه بروز تکثیر سبک‌های زندگی خواهد بود، آن‌چنان که در دنیای مدرن شاهد آن هستیم» (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۳: ۱۱۱). بر این اساس، در پژوهش حاضر، به فضای مجازی به عنوان یک ابزار و یکی از امکانات محیطی نگریسته می‌شود که موجب تعدد و تکثیر سبک‌ها شده است.



نظریه ساخت‌یابی گیدنز نیز تأکید دارد که عامل انسانی و ساخت اجتماعی با هم مرتبط هستند و تکرار رفتارهای افراد است که ساخت‌ها را باز تولید می‌کند. ساخت‌ها نیز به واسطه همین باز تولید، برای کنش انسانی محدودیت ایجاد می‌کنند. گیدنز همینطور بر تأثیر کار و حرفه بر شیوه‌های زندگی افراد تأکید دارد و معتقد است که کار و شغل و منبع درآمد، شانس‌ها و بخت‌های زندگی را به شدت مشروط می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۵)؛ بنابراین رفتار مخاطبان با توجه به ساخت‌ها شکل می‌گیرد. وجود ساخت‌های متفاوت در جامعه و تأثیر آنها بر افراد، باعث شده تا رفتارهای رسانه‌ای افراد با یکدیگر یکسان نباشد و دسته‌های مختلفی را ایجاد کند. این تفاوت‌ها در نهایت منجر به تنوع انتخاب سبک‌های زندگی خواهد شد.

«به نظر ماکس وبر، سلوک زندگی و شانس‌های زندگی دو مؤلفه اساسی شکل دهنده به سبک زندگی هستند. سلوک زندگی به انتخاب‌هایی اشاره دارد که افراد در گزینش سبک زندگی‌شان دارند. در مفهوم سبک زندگی وبر، انتخاب فرد در رفتار یا سلوک زندگی، خود را نشان می‌دهد. شرایط ساختاری نیز در شانس‌های زندگی، خود را نمایان می‌کنند» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۵). «رالف دارندروف با استفاده از نوشته‌های وبر، مفهوم شانس‌های زندگی را با عنوان «موقعیت طبقه‌ای» معین می‌کند و آن را با امکانات شخصی فرد در کسب رضایت از منافع، نیازها و درخواست‌ها مرتبط می‌داند» (کیوان‌آرا، ۱۳۸۶: ۶۶). اریکسون^۱ (۱۹۹۶: ۲۲۳) معتقد است که «نابرابری فرهنگی، چندان به سلسله مراتب ذائقه و سلیقه مربوط نمی‌شود و سبک با سلسله مراتب دانش در ارتباط است. خاستگاه خانوادگی، تحصیل، جنسیت و طبقه فعلی فرد، تأثیر متفاوتی بر سبک زندگی دارند».

خانواده، به عنوان اولین نهاد جامعه‌پذیر و کهن‌ترین هسته طبیعی، از ابتدای تاریخ در همه جوامع انسانی وجود داشته و بشر تا کنون نتوانسته است جایگزینی برای آن بیابد. این موضوع، حضور همیشگی این نهاد اجتماعی و ضرورت وجودی آن را نشان می‌دهد. ازدواج، مبنای شکل‌گیری خانواده و قطب مقابل آن، طلاق است که سبب اضمحلال آن می‌شود. طلاق، فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی دارد و علاوه بر افراد، بر پیکره جامع نیز هزینه‌های بسیاری را تحمیل می‌کند. طلاق هم می‌تواند صورت آشکار و رسمی به خود گیرد که طی آن خانواده فرو می‌پاشد و هم می‌تواند پنهانی باشد؛ یعنی ساختار بیرونی خانواده حفظ می‌شود؛ ولی از درون تهی می‌گردد. در حالت دوم، زوجین بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می‌کنند؛ اما روابط عاطفی سازنده و مناسبی ندارند؛ بنابراین جهت دستیابی به تعریفی روشن از طلاق عاطفی، نظریات موجود در زمینه روابط افراد، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بر مبنای آنها بتوان افرادی را که در وضعیت طلاق عاطفی قرار دارند، مشخص کرد.

نظریه سیستمی «کیفیت زناشویی» مارکز

«استفن مارکز با نگرشی سیستمی به فرد، رابطه او با همسرش و رابطه فرد با دیگران می‌نگرد. او چهارچوب نظریه خود را چنین توضیح می‌دهد که یک فرد متأهل دارای زاویه درونی، زاویه همسرش و زاویه سومی است که هر نقطه تمرکز خارج از خود به جز همسر را نشان می‌دهد. او کیفیت زناشویی را نتیجه شیوه‌هایی می‌داند که باعث سازماندهی افراد متأهل می‌شود. فردی که «من» او، حرکات منظم و معینی اطراف و بین هر سه زاویه داشته باشد و به گونه‌ای خود را سازماندهی کند که نسبت به زاویه‌های گوناگونش، مشغولیت و توجه قوی داشته باشد، دارای کیفیت زناشویی بالایی است؛ اما در مقابل، در حالتی که یک زاویه، تمام توجه فرد را به خود جلب کند و سایر زوایا توجهی دریافت نکنند، فرد، کیفیت زناشویی پایینی دارد؛ بر این اساس، او هفت مدل کیفیت زناشویی را از هم متمایز می‌کند؛ چنانکه سه مدل را کیفیت زناشویی پایین و چهار مدل را کیفیت زناشویی بالا در نظر می‌گیرد. یکی از مدل‌های کیفیت زناشویی پایین، الگوی جدایی‌ای است که در آن، هر دو همسر با زاویه سومشان آمیخته‌اند و از زاویه همسری خود فاصله گرفته‌اند. سومین زاویه قدرتمند می‌تواند هر چیزی از جمله فرزند، کار و دوستان باشد. زناشویی‌های جدا، علی‌رغم پایین بودن کیفیت، می‌تواند بسیار با ثبات و طولانی باشند (عظیمی رستا و عابدزاده نوبریان، ۱۳۹۲: ۸). به نظر می‌رسد گاهی منظور از جدایی، طلاق عاطفی است.

نظریه «مثلث عشق» استرنبرگ

«رابرت استرنبرگ، جوانب مختلف عشق را با مثلثی که دارای سه مولفه تعهد، صمیمیت و شور و اشتیاق است، نشان می‌دهد. سه مولفه عشق به طرق گوناگون با هم ترکیب می‌شوند که بر این اساس، استرنبرگ، دو نوع رابطه را مشخص کرده است؛ یکی از انواع رابطه، عشق تهی است که تنها شامل تعهد است و فاقد صمیمیت و شور و اشتیاق می‌باشد. نوع دیگر نیز عشق ابلهانه است که شامل تعهد و شور و اشتیاق است و فاقد صمیمیت می‌باشد» (همان: ۳۴). از آنجا که طلاق عاطفی، رابطه‌ای فاقد صمیمیت است، می‌توان دو نوع رابطه تعریف شده توسط استرنبرگ؛ یعنی عشق تهی و عشق ابلهانه را طلاق عاطفی خواند.

نظریه «نظم خرد» چلبی

نظریه «نظم خرد» به بررسی چهار مشکلی می‌پردازد که نظم اجتماعی در سطح خرد با آن مواجه است. چلبی از چهار نوع تعامل، سخن می‌گوید که در بررسی روابط خانوادگی، عمدتاً یکی از این چهار نوع؛ یعنی «تعامل ارتباطی»، مد نظر است؛ زیرا در این نوع تعامل است که حق و تکلیف و عاطفه مبادله می‌شود. وی از لحاظ تحلیلی نیز تعامل را دارای دو وجه عمده ابزاری و اظهاری می‌داند



که روابط خانوادگی از مصادیق رابطه اظهاری محسوب می‌شود. در رابطه اظهاری، نوعی صمیمیت، اعتماد و تعهد وجود دارد و تعلق عاطفی و معاشرت‌پذیری، اساس این نوع رابطه را تشکیل می‌دهد. مطابق نظریه مذکور، از طریق تعامل اظهاری، «ما»، «اجتماع» یا «گروه اجتماعی» شکل می‌گیرد؛ یعنی تعامل، سنگ بنای «ما» یا «اجتماع» است، مشروط بر اینکه تعامل، صبغه اظهاری به خود بگیرد. جهت حفظ «ما» و به طبع، حفظ الگوهای تعاملی، نظم اجتماعی خرد، حداقل در چهار بعد با چهار مشکل همفکری، همگامی، همدلی و هم‌بختی مواجه است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۰-۱۹). با توجه به نظریه نظم خرد، اگر خانواده را اجتماعی کوچک و در سطح خرد در نظر بگیریم، در صورت ایجاد مشکل در همفکری، همگامی، همدلی و هم‌بختی بین همسران، در تعامل آنها نیز اختلال ایجاد می‌شود که اختلال در بعد اظهاری تعامل همسران را می‌توان طلاق عاطفی خواند.

«کارکرد مهم رسانه‌های ارتباط جمعی، ایجاد همبستگی اجتماعی است» (همان: ۱۰۱). «مک کوایل»^۱ (۱۳۸۰: ۱۱۲) معتقد است که پیدا کردن بینش راجع به اوضاع و احوال دیگران، همدلی اجتماعی، همذات‌پنداری با دیگران و کسب احساس تعلق، یافتن مبنایی برای گفتگو، تعامل اجتماعی، پر کردن جای یک همراه واقعی در زندگی و توانا ساختن فرد به ایجاد پیوند با خانواده، دوستان و جامعه از خدماتی است که رسانه‌ها ارائه می‌دهند و از آن طریق باعث کاهش انزوای اجتماعی و تحکیم همبستگی اجتماعی می‌شوند (امام جمعه زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۵).

به نظر اینکلس^۲ (۱۹۶۹)، از آنجا که انسان مدرن در جامعه‌ای زندگی می‌کند که دستخوش تغییرات زیاد است، نمی‌تواند نسبت به آنچه در اطراف او می‌گذرد بی‌تفاوت باشد و دوست دارد نسبت به اوضاع جامعه، آگاهی و اشراف داشته و بتواند در آن اثرگذار باشد. رسانه‌ها با ارائه اطلاعات خود، می‌توانند به افراد در نظارت بر محیط خود کمک‌های فراوانی برسانند و امکاناتی را جهت مشارکت و اثرگذاری بر محیط در اختیار آنها قرار دهند (حقیقتیان و امیدی، ۱۳۸۷: ۳۷). با بزرگتر و پیچیده‌تر شدن جوامع، کارکرد روابط چهره‌به‌چهره و اعتماد فردی کمتر می‌شود (همان). در چنین جوامعی، کسب اطلاع و آگاهی از رویدادهای گوناگون به صورت فردی تقریباً غیرممکن است و افراد با کمک رسانه‌ها می‌توانند چنین آگاهی را به دست آورند. رسانه‌ها با فراهم کردن این آگاهی‌ها و اطلاعات، بر درک افراد از عملکرد گروه‌ها و نهادها تأثیر می‌گذارند؛ بنابراین در شکل دادن به سرمایه اجتماعی افراد مؤثر هستند (همان).

در عصر دوم رسانه‌ها، یعنی عصر اینترنت، پست الکترونیکی و ماهواره، خانواده‌ها نیز دچار تحول اساسی شده‌اند. رسانه‌هایی مانند توئیتر، فیس‌بوک، یوتیوب و کیندل، مصرف‌کنندگان را به تولیدکنندگانی تبدیل می‌کنند که آثارشان را به طور رایگان در دسترس همه قرار می‌دهند (ماجدی

1. Mc Quail
2. Inkeles

و لهسایی زاده، ۱۳۸۵: ۹۲).

بورديو^۱ رسانه‌ها را ابزاری در جهت دستیابی به اهداف و منافع فردی می‌داند که عاملان اجتماعی را قادر می‌سازد تا مستقیماً به منابع اقتصادی دست یابند و از طریق تماس با فرهیختگان و متخصصان، سرمایه فرهنگی خود را افزایش دهند؛ همچنین دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات و موقعیت‌های اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد (شارع‌پور و حسینی‌راد، ۱۳۸۷: ۱۳۹) و سبب تقویت اعتماد و افزایش مشارکت عمومی می‌شود (بورديو، ۱۳۸۰: ۷۶). از نظر کلمن^۲ (۱۳۷۷: ۲۹۱-۲۹۴) نقش ویژه‌ای برای رسانه‌های همگانی به عنوان منابع اطلاعاتی و واسطه‌های اعتماد تعریف شده است که قضاوت افراد را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و با ارائه گزارش‌های انتقادی از جامعه، باعث کاهش اعتماد به نهادهای رسمی و غیررسمی می‌شود. رابرت پاتنام^۳ (۱۹۹۹: ۷۸-۷۴) نیز معتقد است که «رسانه‌ها تصویر خشنی از دنیای اطراف ما ارائه می‌دهند و نوعی احساس ناامنی را موجب می‌شوند که نتیجه آن، بی‌اعتمادی است و مواردی از قبیل کاهش کارهای داوطلبانه اجتماعی و خدمت به انسان‌های نیازمند، ناشی از دل‌مشغولی‌های بیش از اندازه مردم به برنامه‌های تلویزیون، رادیو و به‌ویژه اینترنت است». او همچنین بیان می‌کند که «رسانه‌های جمعی، بیشترین اثرات نابودکننده را بر خانواده اعمال می‌کنند؛ چنانکه با گسترش استفاده از تلویزیون در مناطق روستایی و محلات کم‌درآمد مناطق شهری، شکل جدیدی از سرگرمی ظهور کرد که منجر به کاهش راه‌های ارتباطی چهره‌به‌چهره (باستانی و گلزاری، ۱۳۸۹: ۱۰)، خصوصی کردن اوقات فراغت و در نتیجه، دور کردن افراد از خانواده و بازداشتن آنها از شرکت در اجتماعات گوناگون و فعالیت‌های مدنی شد (پاتنام، ۱۹۹۵: ۷۴).

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت که رسانه‌های جمعی با تولید برنامه‌های متنوع بر ذهن و زندگی افراد تأثیر می‌گذارند و ممکن است آنها را از فضایی که در گذشته به آن تعلق داشته و هویت خود را در آن شکل داده‌اند، جدا سازند و به نیایی وارد کنند که نمی‌توان گفت واقعی است؛ همچنین ممکن است هویت افراد، ارتباطات و مشارکت آنها در جامعه و تعهداتشان نسبت به یکدیگر توسط این رسانه‌ها دچار تغییر شود؛ از این رو، رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اینترنتی می‌توانند ارتباطات نزدیک بین افراد را تغییر دهند.

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مفاهیم و چارچوب نظری پژوهش، فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. سبک زندگی متأثر از فضای مجازی بر حسب متغیرهای جنس و میزان تحصیلات، متفاوت است.

۲. بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی، رابطه مستقیم وجود دارد.

1. Pierre Bourdieu
2. James Coleman
3. Putnam Robert



تعریف مفاهیم

فضای مجازی: به مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق رایانه و مسائل مخابراتی، بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی، گفته می‌شود (هاتف، ۱۳۸۸: ۶۷). فضای سایبری، استعاره‌ای برای تشریح سرزمین غیرفیزیکی، متشکل از سیستم‌های کامپیوتری و زیرساخت‌های ارتباطی است. در این فضا نمی‌توان بویید یا شنید (توسط حواس رایج)؛ ولی این گستره، عناصر و اشیای خاص خود (فایل‌ها، پیغام‌های الکترونیکی، عکس‌ها و ...) را دارد. برخلاف فضای حقیقی، سیر و گشت در این سرزمین، بدون هیچ‌گونه حرکت فیزیکی و تنها با حرکت موشواره یا فشردن کلیدی در صفحه کلید مقذور است (غروی و محمدی، ۱۳۹۰: ۷۶).

سبک زندگی^۱: رفتارهایی که با قشربندی حیثیتی و اعتباری مرتبط است، سبک زندگی نامیده می‌شوند. سبک زندگی فقط آنچه یک فرد دارد نیست؛ بلکه چگونگی نمایش آنها توسط اوست. سبک زندگی هم الگوهای مصرف را شامل می‌شود و هم قدرتی که از این ناحیه کسب می‌شود. سلیقه، آداب معاشرت و مد، نشانه‌های داشتن جایگاهی در نردبان اجتماعی و نمادهای مرتبط با سبک زندگی هستند^۲ (لسلی و همکاران^۱، ۱۹۹۴: ۱۳).

سبک زندگی متأثر از فضای مجازی^۳: تأثیری است که فضای سایبری بر نوع سلیقه افراد، مصرف، ارزش‌ها و نگرش آنان داشته است و به عنوان سبک زندگی دوم افراد در امتداد سبک زندگی دنیای واقعی آنان جریان دارد.

طلاق عاطفی: به جدایی عاطفی بین زوجین و فاصله گرفتن آنها از انسجام یا نزدیکی عاطفی گفته می‌شود که در این تحقیق از سه بعد نزدیکی، وفاداری و فعالیت‌های مشترک بررسی شده است.

روش تحقیق و مراحل آن

این تحقیق به روش پیمایشی و اسنادی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. ماهیت آن کاربردی است و از نظر وسعت، پهنانگر می‌باشد. واحد تحلیل، فرد و سطح تحلیل، خرد است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. جامعه آماری این مطالعه نیز شامل افراد متأهل شهر ایلام است. حجم نمونه هم با استفاده از فرمول کوکران، ۳۶۱ نفر به دست آمد. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری چند مرحله‌ای است. ابتدا مناطق شهر با استفاده از تقسیم‌بندی شهرداری تعیین شدند؛ سپس، حجم نمونه (۳۶۱ نفر) بر تعداد این مناطق تقسیم شد و با توجه به آن مشخص گردید که چه تعداد پرسشنامه

1. Lifestyle

2. Leslie et al

۳. در رساله دکترای زهرا طاهری با عنوان «تبیین و گونه‌شناسی سبک زندگی متأثر از فضای مجازی در بین جوانان ۱۵-۳۴ ساله شهر اصفهان»، مفهوم سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن با توجه به روش گراند تئوری و الگوی پارادایمی اشترواس و کورین به دست آمده و در جدول آفای کرونباخ این ابعاد تعریف و تشریح شده است.

می‌بایست در هر منطقه توزیع شود؛ سپس به ترتیب، محلات، بلوک‌ها و کوچه‌ها در هر کدام از مناطق به صورت تصادفی انتخاب شدند و نقشه آنها در اختیار پرسشگران قرار گرفت. هر کدام از پرسشگران نیز در قسمت‌های مشخص شده، خانه‌ای را به طور تصادفی انتخاب کردند و گویه‌هایی را که پس از تعیین شاخص‌های لازم برای متغیرهای پژوهش، طراحی شده، در قالب پرسشنامه‌ای (ابزار گردآوری داده‌ها) که اعتبار صوری و پایایی آن تأیید شده بود، در اختیار پاسخگویان (سرپرست خانواده) قرار دادند. این پرسشنامه‌ها با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری شد و نمره نهایی نیز عبارت از مجموع امتیازات فرد در پاسخ به سؤال‌های پرسشنامه بود.



جدول شماره (۱). تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش و مقدار آلفای کرونیباخ

مقدار آلفا	تعداد	گویه	ابعاد	متغیر
۰/۷۸	۷	واقعی: استفاده از هویت واقعی در نام کاربری (ID) و ایمیل شخصی، گذاشتن عکس و مشخصات (پروفایل) واقعی از خود. غیرواقعی: جذب دیگران، امتحان کردن نزدیکان، سرگرمی، راحت بودن، عدم اعتماد.	هویت	سبک زندگی متأثر از فضای مجازی
۰/۹۰	۱۲	اوقات فراغت: گشت و گذار، هزینه کمتر نسبت به دنیای واقعی، امنیت فیزیکی، جذابیت و تنوع. ارضای نیاز جنسی: دسترسی راحت، جایگزین نیاز دنیای واقعی، ناشناس بودن، پیدا کردن شریک جنسی و ارتباط در دنیای واقعی. تخلیه هیجان: بازی‌های آنلاین، تسکین‌دهنده، جبران شکست و سرخوردگی‌ها، شاد کردن روحیه.	کسب لذت	
۰/۷۷	۴	رسمی: مشارکت در تولید و نشر اطلاعات و خبر، عکس، فیلم، داستان، نوشتن کامنت در سایت‌ها و منابع داخلی و بین‌المللی، نوشتن و انتشار مقاله و کتاب‌های دانشگاهی به صورت رسمی در سایت‌های رسمی. غیررسمی: فعالیت در وبلاگ‌های غیررسمی، به اشتراک گذاشتن خبر، عکس، فیلم، داستان و ... در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و موبایلی.	تولید محتوا	سبک زندگی متأثر از فضای مجازی
۰/۸۱	۸	اقتصادی: خرید و فروش شارژ و کالاهای اینترنتی، انجام امور اقتصادی، آگاهی از قیمت‌ها. اجتماعی: بهبود کیفیت زندگی، جلوگیری از اتلاف وقت، کاهش هزینه حمل و نقل، دسترسی سریع و آسان و بدون محدودیت زمان و مکان، دسترسی و ذخیره اطلاعات همراه با جزئیات کامل.	خدمات	
۰/۷۱	۷	پایدار: ارتباطات علمی، تحصیلی، شغلی، دسترسی به نمایشگاه‌ها، همایش‌ها و ... و پیگیری آنها، ارتباط با دوستان و آشنایان نزدیک، پیدا کردن دوستان جدید و ادامه این ارتباط در دنیای واقعی. ناپایدار: ارتباط با جنس مخالف، آشنایی در شبکه‌های اجتماعی، ارتباط در چت‌روم‌ها و ...، ارتباط عاطفی بدون ارتباط بیرونی.	ارتباط	سبک زندگی متأثر از فضای مجازی
۰/۷۸	۴	علمی: مراجعه به سایت‌ها برای رفع و رجوع و ارتقا در زمینه درسی و شغلی.	کسب دانش	

		علاقه‌مندی: مراجعه به سایت‌های مورد علاقه و دانلود آنها عمومی: کسب اطلاعات زندگی روزمره، بهداشتی و درمانی و ... ممنوعه: اطلاعات و آگاهی‌هایی که در جامعه ممنوع، محدود یا سانسور می‌شوند.		
۰/۹۱	۱۹	کاهلی مادی و غیرمادی: افت و تأخیر در امور زندگی روزمره و امور تحصیلی و شغلی و علمی، پایین آوردن سطح مطالعه، سطحی شدن اطلاعات و کسب اطلاعات بدون استناد به منبع موثق. آسیب فیزیکی و روانی: آسیب جسمی، بی‌حرکی، اختلال در خواب، احساس وابستگی، اضطراب و پرخاشگری. آنومی: بازیچه شدن، فریب خوردن، کلاهبرداری، سرد شدن ارتباطات صمیمی، درخواست تقاضاهای نامتعارف، تنوع‌طلبی. عرفی شدن: پذیرفتن آزادی در رابطه جنسی، کاهلی و بی‌توجهی در انجام واجبات دینی. مدارا: سهل‌گیری در ارتباطات و پذیرفتن تفاوت‌ها، رفع نگاه متعصبانه به فرهنگ‌ها و ادیان مختلف، بازتر شدن شعاع دید.	پيامد	
۰/۸۷	۴	احساس رضایت از با هم بودن، وابستگی زوجین به یکدیگر، احساس صمیمیت بین زوجین، احساس شادمانی در کنار همسر.	نزدیکی	طلاق عاطفی
۰/۸۲	۴	صداقت بین زوجین، وابستگی، احساس وفاداری، ابراز علاقه به یکدیگر، رضایت از وضعیت زناشویی.	وفاداری	
۰/۸۵	۴	گذران وقت با هم، دید و بازدید اقوام و دوستان، رفتن زوجین با یکدیگر به مهمانی، خرید، پارک، مسافرت و ...	فعالیت‌های مشترک	

یافته‌های پژوهش

از کل نمونه، ۵۰/۴ درصد را مردان و ۴۹/۶ درصد را زنان تشکیل داده‌اند و بیشترین فراوانی (۲۹/۴ درصد) بر حسب تحصیلات به لیسانس و کمترین فراوانی (۰/۶ درصد) به دکترای عمومی و تخصصی متعلق بوده است. بقیه پاسخگویان نیز به ترتیب، دیپلم (۲۵/۲ درصد)، فوق دیپلم (۲۳/۰ درصد)، فوق لیسانس (۱۰/۸ درصد)، ابتدایی (۸/۹ درصد) و سیکل (۱/۷ درصد) داشته‌اند.



جدول شماره (۲). آماره‌های توصیفی سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و ابعاد آن

ابعاد سبک زندگی	بازنمایی هویت کسب لذت	تولید محتوا	ارائه خدمات	ایجاد ارتباط	کسب دانش	پیامدی	سبک زندگی متأثر از فضای مجازی
میانگین	۳/۱۷	۲/۸۹	۲/۴۹	۳/۷۲	۳/۸۳	۳/۷۵	۳/۴۱

جدول بالا آماره‌های مربوط به متغیر سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و ابعاد آن را نشان می‌دهد که بر اساس آن، بیشترین نمره میانگین (۳/۹۹) مربوط به بعد پیامدی و کمترین نمره میانگین (۲/۴۹) مربوط به بعد تولید محتواست؛ به عبارت دیگر، در بین زوجین شهر ایلام، بیشترین تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی آنان، به بعد پیامدی و کمترین تأثیر آن، به بعد تولید محتوا از این فضا مربوط بوده است.

جدول شماره (۳). آماره‌های توصیفی طلاق عاطفی و ابعاد آنها

ابعاد طلاق عاطفی	طلاق عاطفی	نزدیکی	وفاداری	فعالیت‌های مشترک
میانگین	۳/۴۰	۳/۳۲	۳/۳۳	۳/۵۷

جدول شماره (۳) آماره‌های مربوط به متغیر طلاق عاطفی و ابعاد آنها را نشان می‌دهد و بیانگر این است که نمره میانگین ابعاد طلاق عاطفی به ترتیب از بیشترین به کمترین، مربوط به فعالیت‌های مشترک، وفاداری و نزدیکی بوده است. فرضیه (۱). سبک زندگی متأثر از فضای مجازی بر حسب عوامل زمینه‌ای (جنس و میزان تحصیلات) متفاوت است.

جدول شماره (۴). آماره‌های توصیفی و آزمون t -test سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و جنس

متغیر	تعداد	میانگین	واریانس	T	درجه آزادی	سطح معناداری دو طرفه
مرد	۱۸۲	۳/۴۰	واریانس‌های برابر	۰/۱۴۱	۳۵۹	۰/۸۸۸
زن	۱۷۹	۳/۳۹	واریانس‌های نابرابر	۰/۱۴۱	۳۵۶/۲۱۹	۰/۸۸۸

جنس: نتایج آزمون دو نمونه‌ای مستقل (جدول شماره ۴) بیانگر عدم تأثیر پذیری سبک زندگی زن و مرد از فضای مجازی است (سطح معناداری = ۰/۴۶۹) و مقایسه میانگین‌ها، تفاوت میانگین ناچیزی را در بین دو گروه نشان می‌دهد؛ چنانکه سبک زندگی زنان با میانگین ۳/۳۹ و مردان با میانگین ۳/۴۰ تقریباً به یک اندازه از فضای مجازی متأثر بوده است.

جدول شماره (۵). آزمون $Anova$ متغیر سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	جمع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری دو طرفه
تحصیلات	۰/۹۰	۷	۰/۱۳	۱/۲۵	۰/۲۷۴

آزمون تحلیل واریانس (جدول شماره ۵) در واقع بیانگر تفاوت میانگین تأثیرپذیری سبک زندگی افراد از فضای مجازی بر حسب میزان تحصیلات آنهاست. با توجه به سطح معناداری (۰/۲۷۴) می توان نتیجه گرفت که واریانس بین گروهی میانگین تأثیرپذیری سبک زندگی از فضای مجازی بر حسب میزان تحصیلات، متفاوت نیست و اگر چه مقایسه میانگین ها در بین گروه ها از بیشتر به کمتر (دیپلم با میانگین ۳/۴۶، دکترای عمومی با میانگین ۳/۴۱، فوق لیسانس با میانگین ۳/۴۰، فوق دیپلم با میانگین ۳/۳۹، سیکل با میانگین ۳/۳۸، لیسانس با میانگین ۳/۳۶، ابتدایی با میانگین ۳/۲۶ و دکترای تخصصی با میانگین ۳/۰۷)، تأثیرپذیری در گروه دیپلمه ها را بیشتر نشان می دهد؛ اما با توجه به تفاوت اندک میانگین ها و سطح معناداری، فرضیه مورد نظر رد می شود.

جدول شماره (۶). آماره های توصیفی آزمون Anova برای سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و متغیرهای زمینه ای

متغیر	ابعاد	تعداد	میانگین
تحصیلات	ابتدایی	۶	۳/۲۶
	سیکل	۳۲	۳/۳۸
	دیپلم	۹۱	۳/۴۶
	فوق دیپلم	۸۳	۳/۳۹
	لیسانس	۱۰۶	۳/۳۶
	فوق لیسانس	۳۹	۳/۴۰
	دکترای عمومی	۲	۳/۴۱
	دکترای تخصصی	۲	۳/۰۷
	جمع کل	۳۶۱	۳/۳۹

فرضیه (۲). بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی، رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

جدول شماره (۷). آزمون همبستگی پیرسون بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و ابعاد طلاق عاطفی

آزمون	طلاق عاطفی	نزدیکی	وفاداری	فعالیت های مشترک
ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۶۲**	-۰/۱۳۳**	-۰/۱۷۴**	۰/۰۴۱
سطح معناداری دوطرفه	۰/۰۰۲	۰/۰۱۲	۰/۰۰۱	۰/۴۳۴
تعداد	۳۶۱	۳۶۱	۳۶۱	۳۶۱

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

نتایج آزمون همبستگی پیرسون (جدول شماره ۷)، بین متغیر سبک زندگی متأثر از فضای مجازی



و طلاق عاطفی (مقدار $2 = 0/162 -$ و سطح معناداری $0/012$)، بیانگر این است که بین این دو متغیر با اطمینان لازم، رابطه معنادار و معکوس برقرار می‌باشد؛ یعنی کسانی که سبک زندگی آنان بیشتر از فضای مجازی تأثیر پذیرفته است، طلاق عاطفی کمتری در ارتباط با همسرشان داشته‌اند و بالعکس. به منظور تبیین بهتر رابطه همبستگی بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی با ابعاد طلاق عاطفی (نزدیکی، وفاداری و فعالیت‌های مشترک) به بررسی جداگانه هر کدام از آنها پرداخته شد که نشان داد بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی با دو بعد نزدیکی و وفاداری رابطه همبستگی برقرار است؛ اما رابطه‌ای بین آن با فعالیت‌های مشترک وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر که با هدف بررسی رابطه بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی در بین افراد متأهل ایلامی انجام شد، با توجه به پیشینه پژوهش و مباحث و نظریه‌هایی مطرح شده، فرضیاتی استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

«طرفداران نقش ارزش‌ها در شکل دادن به سبک زندگی معتقدند که ارزش‌های فعلی فرد، تعیین‌کننده سبک زندگی اوست. از طرف دیگر، بروز برخی از سبک‌های زندگی نیز حاصل تحول ارزشی در جامعه و تلاش افراد برای وفق دادن خود با نظام ارزشی جدید است. می‌توان گفت که فناوری جدید با خود، ارزش‌ها و سبک زندگی جدیدی به همراه داشته است» (وانگ و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۲۲؛ به نقل از طاهری، ۱۳۹۳: ۸۹).

مطرح کردن مصرف فرهنگی به عنوان شاخصه اصلی سبک زندگی و نه مصرف مادی که مشروط به توانایی مالی افراد است، بازی هویت به عنوان محرک اصلی مصرف (دان، ۱۳۸۵: ۱۵۱) و ترکیب دو فرهنگ عام و متعالی (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۲۳) در تحلیل‌های پست‌مدرنیسمی، حاکی از به وجود آمدن سبک زندگی غیرمادی است که در سایه دنیای واقعی به آرامی خود را نمایان می‌کند.

انتخابی بودن سبک زندگی از دید ویر، تنوع فرصت‌ها و انتخاب‌های زندگی به عنوان پیامد دنیای مدرن از دید گیدنز و دیدگاه دیوید چنی (۱۹۹۶: ۹۲) که معتقد است «سبک‌های زندگی، شکل مهمی از توانمندی و قدرت‌یابی فردی در متن سرمایه‌داری متأخر است»، با نتایج این تحقیق همخوانی دارد؛ چرا که فضای مجازی به ساختار شکنی محدودیت‌ها و انتخاب گزینه‌های بیشتر برای افراد محروم از امتیازات اجتماعی (داشتن سواد، داشتن شریک زندگی، لذت بهره‌مندی از در کنار اعضای خانواده بودن) کمک کرده است.

در ارتباط با فرضیه دوم؛ یعنی رابطه طلاق عاطفی و سبک زندگی متأثر از فضای مجازی، نتایج، حاکی از وجود ارتباط منفی و معنادار بین متغیر سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی

در دنیای واقعی بود.

نتیجه جالب توجه این است که وقتی رابطه ابعاد طلاق عاطفی در دنیای واقعی (نزدیکی، وفاداری و فعالیت‌های مشترک) با متغیر سبک زندگی متأثر از فضای مجازی بررسی شد، منفی و معنادار بودن رابطه بین دو بعد از متغیر طلاق عاطفی (نزدیکی، وفاداری)، دیدگاه‌های مثبت بورديو و کلمن (تماس و ارتباط بین اشخاص منجر به تقویت اعتماد بین شخصی و انسجام می‌شود) را تأیید کرد؛ اما عدم وجود رابطه بین بعد فعالیت‌های مشترک و سبک زندگی متأثر از فضای مجازی، دیدگاه منفی پاتنام (۱۹۹۵: ۷۴) را که معتقد است «انواع تکنولوژی‌های ارتباطی به ویژه اینترنت، منجر به بازداشتن افراد از شرکت در اجتماعات گوناگون و فعالیت‌های مدنی و جلوگیری از شکل‌گیری سرمایه اجتماعی شده است»، تأیید کرد.

به بیان آنتونی گیدنز (۱۳۷۸: ۲۶-۳۶)، «یکی از ویژگی‌های جوامع مدرن، از جاکنندگی است؛ یعنی اینکه روابط اجتماعی، وابسته به محیط‌ها و زمینه‌های محلی نیستند و می‌توانند در گستره وسیعی از زمان و مکان صورت گیرند»؛ همچنین پیچیدگی در جوامع مدرن، اگرچه به تهدیدی برای در خطر افتادن از طرف جوامع دیگر منجر می‌شود؛ اما این امکان را نیز برای آنان فراهم می‌آورد تا بتوانند از فرصت‌هایی که در شهرها و کشورهای دیگر وجود دارند سود بجويند. «با گسترش شبکه‌های اجتماعی در فضای واقعی و مجازی، نه تنها فوایدی فردی برای کسانی که در این شبکه‌ها حضور دارند، وجود دارد؛ بلکه ایجاد ارتباطات بیشتر، فضای دلنشینی را برای زندگی فراهم می‌کند و موجب بهبود کیفیت زندگی می‌شود» (بیکر، ۱۳۸۲: ۴۱؛ عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۷۷). اگر بتوان این امر را هم در دنیای واقعی و هم در دنیای مجازی مورد توجه و تقویت قرار داد، دسترسی به چنین فرصت‌ها و مزیت‌هایی در جامعه امر محالی نخواهد بود.

پیشنهادات

۱. با توجه به اهمیت موضوع طلاق عاطفی در ساختار خانواده ایرانی، لازم است در شورای اجتماعی-فرهنگی زنان، یک کارگروه تخصصی با حضور متخصصان جامعه‌شناسی و سایر رشته‌های تخصصی تشکیل شود.
۲. فرهنگ گفتگو در بین خانواده‌ها فراگیر شود.
۳. مراکز آموزشی مشاوره خانواده برای حل مسائل قبل و بعد از ازدواج توسعه یابد.
۴. فرهنگ و مؤلفه‌های دینی، اسلامی و اخلاقی آموزش داده شوند تا از آنها در جهت تحکیم پایه‌های خانواده استفاده گردد.
۵. برای خانواده‌ها، جوانان قبل از ازدواج و زوج‌هایی که با هم اختلاف دارند، کلاس‌های آموزشی مدیریت حل بحران برگزار شود.



۶. با توجه به افزایش ساعات استفاده از اینترنت و تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای از سوی زوجین دچار طلاق عاطفی و تأثیر مستقیم بر الگوپذیری آنان، خانواده‌ها می‌بایست در سال‌های اولیه و حساس پس از ازدواج جوانان، برای گذران اوقات فراغت و جلوگیری از تغییر ناگهانی در روند زندگی آنان، برای رفت و آمدهای بیشتر، تفریحات دسته‌جمعی، مسافرت‌ها و ... با زوج‌های جوان، برنامه‌ریزی داشته باشند.

۷. با توجه به نفوذ قابل توجه خانواده در انتقال هنجارها و ارزش‌ها با استفاده از سبک انتقالی درونی‌سازی و متقاعد کردن ملایم، پیشنهاد می‌شود که خانواده‌ها در انتقال یا ارائه الگوهای مورد نظرشان چنین سبکی را مد نظر داشته باشند.

۸. با توجه به عدم توان خانواده‌ها و مسئولان در پیشگیری از استفاده از اینترنت و ماهواره، برای جلوگیری از برخورد ناگهانی جوانان با ماهواره در زندگی جدید و تغییر ناگهانی نگرش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های آنان، بهتر است خانواده نحوه برخورد با ماهواره و استفاده درست از آن را به فرزندان آموزش دهند.

۹. برای جلوگیری از ایجاد تضاد در الگوها و ارزش‌های بین زوجین، خانواده‌ها باید قبل از ازدواج فرزندان، خود به شناخت دقیق الگوها و ارزش‌های مهم موجود در خانواده مقابل بپردازند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد و دیگران؛ (۱۳۹۲)، «تحلیل رابطه بین مصرف رسانه‌ای و میزان اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و پنجم، شماره پیاپی (۵۴)، شماره دوم، ۳۲-۱۵.
- باستانی، سوسن و محمد گلزاری؛ (۱۳۸۹)، «طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره سوم.
- بوردیو، پیر؛ (۱۳۸۰)، نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نی.
- بیکر، جی. اس؛ (۱۳۸۲)، سرمایه اجتماعی و مدیریت، ترجمه مهدی الوانی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پرهیزکار، اکبر و همکاران؛ (۱۳۸۹)، «سهم فضای مجازی از فضای خدمات شهری تهران و تأثیر خصوصیات شهروندان در میزان استفاده از خدمات فضای مجازی»، مجله مدرس علوم انسانی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره چهاردهم، شماره ۳، ۲۱-۳۵.
- چلبی، مسعود؛ (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ (۱۳۹۰)، «مفهوم‌سازی ژئوپلیتیک اینترنت و فضای مجازی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره اول.
- حسنونند، مسعود؛ (۱۳۹۳)، «تأثیر شبکه‌های اجتماعی در بروز پدیده طلاق»، <http://www.hadinews.com>. 4145/ir/?q=node

- حسنی، بهنام؛ (۱۳۹۱)، «مقایسهٔ مصارف فرهنگی و سبک زندگی در بین حاشیه‌نشینان و ساکنان شهر اراک»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد آشتیان.
- حقیقتیان، منصور و مصطفی امدیدی؛ (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مطالعهٔ مطبوعات در شهرستان سمیرم»، پژوهش‌نامهٔ علوم اجتماعی، سال دوم، شمارهٔ چهارم، ۳۱-۴۵.
- خوشنویس، ناهید؛ (مهر ۱۳۸۹)، «رسانه و سبک زندگی»، ماهنامهٔ علمی - تخصصی انجمن روابط عمومی ایران، شمارهٔ ۷۳.
- دان، رابرت جی؛ (۱۳۸۵)، نقد اجتماعی پست مدرنیته، بحران‌های هویت، ترجمهٔ صالح نجفی، تهران: پردیس دانش.
- شان‌پور، محمود و علی حسینی‌راد؛ (۱۳۸۷)، «بررسی رابطهٔ بین سرمایهٔ اجتماعی و مشارکت ورزشی»، مجلهٔ حرکت، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۴۷، ۱۵۳-۱۳۱.
- طاهری، زهرا؛ (۱۳۹۳)، تبیین و گونه‌شناسی سبک زندگی متأثر از فضای مجازی در بین جوانان ۱۵-۳۴ سالهٔ شهر اصفهان، پایان‌نامهٔ دکتری، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- عاملی، سعیدرضا و حسین حسینی؛ (بهار ۱۳۹۱)، «دو فضایی شدن آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فضای مجازی: مطالعهٔ تطبیقی سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی»، فصلنامهٔ تحقیقات فرهنگی، دورهٔ پنجم، شمارهٔ ۱، ۱-۳۰.
- عبداللهی محمد و میرطاهر موسوی؛ (۱۳۸۶)، «سرمایهٔ اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار»، فصلنامهٔ رفاه اجتماعی، سال ششم، شمارهٔ ۲۵، ۱۹۵-۲۳۳.
- عظیمی رستا، محمود و مهروز عابدزاده نوبریان؛ (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده»، فصلنامهٔ مطالعات جامعه‌شناختی ایران، سال سوم، شمارهٔ دهم، ۳۱-۴۶.
- غروی، ناصر حسین و علی محمدی؛ (۱۳۹۰)، «معرفی رویکردها و متدولوژی‌های طراحی و اجرای سناریوهای مقابله با تهدیدات سایبری»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی دفاع سایبری، ۸۵-۷۵، <http://icnc.ir/index.aspx?pid=289>.
- فاضلی، محمد؛ (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
- فتحی، سروش و مهدی مختاریپور؛ (۱۳۹۳)، «بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی»، مطالعات توسعهٔ اجتماعی ایران، سال ششم، شمارهٔ دوم، ۱۰۱-۱۱۸.
- کیوان‌آرا، محمود؛ (۱۳۸۶)، اصول و مبانی جامعه‌شناسی پزشکی، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان.
- کلمن، جیمز؛ (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه‌های اجتماعی، ترجمهٔ منوچهر صبوری، تهران: نی.
- گیبینز، جان آر و بوریمر؛ (۱۳۸۱)، سیاست پست مدرنیته، ترجمهٔ منصور انصاری، تهران: گام نو.
- گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمهٔ ناصر موفقیان، تهران: نی.
- ماجدی، سیدمسعود و عبدالعلی لهسایی‌زاده؛ (۱۳۸۵)، «بررسی رابطهٔ بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایهٔ اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی (مطالعهٔ موردی: روستاهای فارس)»، فصلنامهٔ توسعهٔ روستایی، سال نهم، شمارهٔ ۴.
- مهدوی کنی، محمدسعید؛ (۱۳۸۷)، «مفهوم سبک زندگی و گسترهٔ آن در علوم اجتماعی»، تحقیقات فرهنگی ایران، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۱ (پیاپی ۱)، ۱۹۹-۲۳۰.
- نعیمی، محمدرضا؛ (۱۳۹۰)، «تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیدهٔ طلاق»، مجلهٔ جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۱، ۱۹۱-۲۱۱.
- هاتف، مهدی؛ (۱۳۸۸)، «چالش‌ها و چشم‌اندازهای امنیت در فضای مجازی»، دو ماهنامهٔ توسعهٔ انسانی پلیس، سال ششم، شمارهٔ ۲۲.

(ب) انگلیسی

- Cheny, David. (1996) 'Lifestyles, by Routledge 11 new fettelane London, Simultaneously published in the USA and Canada.
- Drotner, Kirsten. (2000). Difference and diversity; Trends in Young Dane's Media Culture Society: 149;22.
- Erickson, B.H. (1996) 'Culture: Class and Connections', American Journal of Sociology 51-217:102.
- Leslie, G. R., Larson, R.F., & Gorman, B.L. (1994): Introductory Sociology, Oxford: Oxford



Un. Press.

- Leung, Louis. (1998):»Lifestyles and the use of new media technology in urban China«, telecommunications Policy, Vol. 22, No. 9, pp. 781-790, Elsevier Science Ltd. All rights reserved.
- Mason, R. & Rennie, F. (2008): »E-learning and Social Networking Handbook Resources for Higher Education«, London: Routledge.
- Nie, H, Norman & Hillygus, D. Sunshine. (2002), The Impact of Internet Use on Sociability: Time-Dairy Findings, It & Society, Volume 1, Issue1, Summer2002, PP. 20-1. [http://www. IT and Society. Org.](http://www.ITandSociety.Org)
- Putnam, R, (1995), Democracy in American century end in A. Hadenius (Ed), Democracy victory and crisis, New York, Cambridge University Press.
- Putnam. R. D. (1999).The prosperous community: social capital and public life, The American prospect, inc.
- Wang, Ligang., Luo, Jing., Gao, Wenbin., Kong, Jie. (2012):»The effect of Internet use on adolescents' lifestyles: A national survey«, Computers in Human Behavior (2012) 28 2013-2007.
- Zarqa S. Ali.(2011), Impact of the Internet on Relationships: Perception of Male and Female Students of Pakistan, International Journal of Humanities and Social Science Vol. 1 No. 21 [Special Issue - December 2011].